

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۰

(صص ۱۲۸-۱۰۵)

دکتر محمود عباسی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

معصومه ملا الهی**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور زاهدان

موسیقی بیرونی اشعار نظیری نیشابوری

چکیده

موسیقی شعر یکی از بهترین مختصات است که به طور ذاتی ارزش و اهمیت آن را مشخص می‌کند و در واقع موسیقی شعر است که ضمن این که شنیدن آن را برای گوش‌ها جذاب می‌سازد، راهی برای دلنشین کردن شعر است تا از این طریق مفهوم و هدفی که در بطن سخن منظوم نهفته است، سریعتر به مقصد و مقصود مورد نظر واصل گردد. منظور از موسیقی بیرونی شعر که باعث آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن گردیده، وزن عروضی است که بر اساس کشش هجاها و تکیه هاست.

دیوان نظیری نیشابوری از نظر موسیقی بیرونی و تنوع و گوناگونی اوزان عروضی به کار رفته در آن قابل توجه و ملاحظه است.

در دیوان نظیری نیشابوری ۵۶۴ غزل، ۴۲ قصیده، ۳ قطعه، ۱۰ ترکیب بند و ترجیع بند و ۱۴۱ رباعی وجود دارد که مجموع ۷۶۰ قطعه شعر است. شاعر در تمام دیوان از ۹ بحر و ۳۷ وزن استفاده کرده است: ۲۷۵ مورد در بحر هزج شامل ۱۲۸ غزل، ۳ قصیده، ۲ ترکیب

*Email:abbasi@lihu.usb.ac.ir

**Email:mollaelahi50@pnuz.ac.ir

بند، ۱ قطعه و ۱۴۱ رباعی؛ ۱۸۶ مورد در بحر رمل شامل ۱۷۴ غزل، ۹ قصیده، ۳ ترکیب بند؛ ۱۳۴ مورد در بحر مجتث شامل ۱۱۵ غزل، ۱۸ قصیده، یک قطعه؛ ۱۱۱ مورد در بحر مضارع شامل ۱۰۰ غزل، ۷ قصیده، ۴ ترکیب بند؛ ۲۹ مورد در بحر خفیف شامل ۲۵ غزل، ۳ قصیده، ۱ ترکیب بند؛ ۱۶ مورد در بحر رجز شامل ۱۵ غزل، ۱ قصیده؛ ۶ مورد در بحر منسرح شامل ۵ قصیده، ۱ غزل؛ ۳ مورد در بحر سریع شامل ۲ غزل، ۱ قطعه؛ ۳ مورد در بحر متقارب شامل ۲ غزل، ۱ قطعه.

کلید واژه ها: موسیقی، عروض، وزن، بحر، نظری نیشابوری.

مقدمه

نظری نیشابوری «اسمش، محمد حسین اصلش از جوین، به سبب توطن در نیشابور از اهل نیشابور مشهور است.» (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۹۲) در باب سفرهای او در ایران و تجارت او و سفر او به هندوستان و تقرّب یافتن در دربار پادشاه و سکونت او در هند و رونق گرفتن کار و زندگی در تذکره ها گاهی به اجمال و گاهی به تفصیل سخن رفته است: «در اوان جوانی از خراسان به عراق آمده با شعرای زمان مشاعرت نمود، از آنجا به هند افتاده... در اواخر حال در گجرات رحل اقامت افکنده، منزلی پادشاهانه ساخت و به فراغت و رفاهیت می گذرانید، همیشه جمعی از اعزّه ی اکابر و اصاغر در مجمع او حاضر بودند و هنگامه ی شعر و صحبت در منزل او به غایت گرم بود.» (اوحدی دقایی بلیانی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۹-۳۹۶۸) اقامت او در گجرات ثابت و همیشگی نبود؛ بلکه گاه گاهی به مرکز حکومت و در بر پادشاه می آمده، بعد از دریافت صلّه دوباره به احمد آباد گجرات باز می گشت: «... مکرّر از گجرات به دارالخلافه ی آگره آمده و به سعادت آستان بوسی خدیو جهانگیر کشورگشا، پادشاه فلک قدرخورشیدلقا... مستسعد گردیده به گجرات عود می نموده است.» (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۶۷: ۷۹۰)، تذکره ی هفت اقلیم، شرح حال نظری را بسیار کوتاه آورده است: «بین الاقران از بی نظیران زمان است، چون قمر قابلیتش از محاق جاهلیت بیرون آمد، اراده ی هندوستان نموده.» (رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۰۱)

نظری شیعی دوازده امامی بود و در این مذهب، اعتقاد راسخ داشت. وی همچنین به عرفان و فلسفه ی اشراق گرایش داشت؛ بطوری که این موضوع در غزل هایش آشکار است. «به سبب توسل و اعتقاد به خدمت درویشان و عارفان زمان، سخنانش اکثر به مذاق این طایفه واقع شده، در پختگی و شکستگی و عذوبت و نزاکت و لطافت و روانی و بلاغت و فصاحت اشعارش هیچکس را مجال سخن نیست، دیوانش در همه جا مشهور و معروف است، غزلیاتش به سایر اشعارش امتیاز دارد.» (واله داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۸۱-۲۲۸۰)

اشعار دیوان نظری را ده هزار و دوازده هزار بیت ذکر کرده اند: «...دیوانی دارد که تمامی ابیات آن از قصاید و غزلیات و ترجیع بند و رباعیات در حدود ده هزار بیت بوده و تنها غزلیات او که در حدود پنج هزار بیت است در لاهور هند چاپ شده...» (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۲۱۶)

مقام شعر و شاعری نظری تحسین شده، به ویژه غزل های عرفانی و دلنشین او را بسیاری از بزرگان شاعر و تذکره نویس پسندیده اند «... به جلالت شأن او همین قدر کافی است که میرزا صائب گفته:

صائب چه خیال است شوی همچو نظری عرفی به نظری نرسانید سخن را»

(سحر کاکو روی، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

نوآوری ها و بدایع کار نظری و تصویر زنده ای که در بیشتر غزل های او به چشم می خورد از هر نظر قابل توجه و تعمق است؛ مانند این بیت که ضرب المثلی سایر شده است:

درس ادیب اگر بود زمزمه ی محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

(نظری، ۱۳۷۹: ۳۴)

همه ی شاعرانی که نظری را دیده یا از طریق اشعارش با وی آشنا شده اند او را به استادی پذیرفته و دقت خیال، وسعت اندیشه، و قدرت مضمون یابی وی را ستوده اند. با نگاهی گذرا به دیوان وی می توان دریافت که تا چه پایه شیفته ی غزل های لسان الغیب حافظ شیراز بوده است.

نظری، حافظ را در شعر مقتدای خود دانسته و می گوید:

تا اقتدا به حافظ شیراز کرده‌ایم گردیده مقتدای دو عالم کلام ما

(همان : ۲۱)

در جای دیگر ارادت خود به حافظ را اینگونه بیان می‌دارد :
حسب حال خوش، کس از مجموعه ی یاری نخواند

حافظ شیراز را دیوان فرخ فال کو

(همان : ۲۸۲)

اما این ارادت مانع از آن نیست که نگاهی هم به دیگر سخنوران گرانقدر ادب پارسی داشته باشد. وجود غزل‌هایی در استقبال از غزل‌های سعدی و بابا فغانی در دیوان او و ترجیع بند بلندی که در استقبال از ترجیع بند مشهور خداوندگار سخن سعدی سروده است، این معنی را تأیید می‌کند و در قصیده غالباً قصاید بلند انوری را استقبال کرده است.

تاریخ وفات نظیری را بین سالهای ۱۰۲۱، ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ هجری قمری ذکر کرده اند. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۵: ۹۰۳)

موسیقی شعر

میان دو هنر شعر و موسیقی، پیوندی ناگسستنی است. این پیوند سبب همگامی و همراهی این دو است. شعر خود کلامی آهنگین و موسیقایی است که همراهی آن با موسیقی بر تأثیرگذاری آن می‌افزاید: «مجموعه‌ی عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز می‌بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند، می‌توان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود عوامل شناخته شده و قابل تحلیل و تعلیلی دارد از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف، جناس،... و همچنین عوامل شناخته نشده‌ای نیز دارد که فقط قابل حس شدن است و نمی‌توان برای آن‌ها قانونی کشف کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸ و ۷)

«هر مجموعه‌ی گفتار از مقداری عناصر آوایی و صوتی به وجود آمده است و این مجموعه‌های آوایی و صوتی، ممکن است با یکدیگر، یا بعضی از آن‌ها با بعضی دیگر

توازن‌ها یا تناسب‌هایی داشته باشند. به تناسب امکاناتی که در جهت این توازن‌ها، در یک مجموعه‌ی آوایی وجود داشته باشد و قابل تصور باشد، انواع موسیقی قابل تصور است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸)

«هنوز ساربان و چوپانان در دل دشت‌ها زمزمه‌های بی آرایش خود را با نوای ساده و دلنشین می‌آمیزند و بی آن که به اصطلاح امروز شعر بخوانند ناخودآگاه پیوند موسیقی و الحان و الفاظ را ثابت می‌کنند.» (صبور، ۱۳۸۴: ۳۰)

«عوامل موسیقی ساز شعر عبارتند از: ۱- ارزش موسیقایی حروف ۲- اهمیت تکیه ۳- کلمات زنگ‌دار ۴- تکرار کلمه ۵- تکرار جمله ۶- قافیه ۷- ردیف ۸- کلمات زاید ۹- ادات ایقاعی ۱۰- تأثیر محتوا در چگونگی وزن ۱۱- مناسبت، موازنه، تسمیط.» (ملّاح، ۱۳۶۷: ۲۴۰)

ابوعلی سینا گوید: «موسیقی علمی است ریاضی که در آن از چگونگی نغمه‌ها، از نظر ملایمت و تنافر، چگونگی زمانهای بین نغمه‌ها بحث می‌شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تعریف کرد.» (مشحون، ۱۳۷۳: ۵)

موسیقی پدیده‌ای ذاتی و فطری در وجود آدمی است و هیچ ملتی از آن بی‌بهره نیست. آن چه انسان را به سوی موسیقی هدایت می‌نماید، دقیقاً همان جذبه و کششی است که او را به سوی سرودن شعر رهنمون می‌شود که این حاکی از همان پیوند مستحکم میان این دو است. شعر در واقع همان موسیقی الفاظ و کلمه‌هاست و غنا نیز موسیقی الحان و آهنگ‌هاست همان چیزی که ارسطو نیز شعر را نشأت گرفته از دو قوه‌ی محاکات و درک وزن و آهنگ می‌داند. آمیزش و اختلاط طبیعی شعر و آهنگ در دوره‌های اولیه، زاینده‌ی هیچ ملتی نیست.

از آن چه گفته شد درمی‌یابیم که وزن اصلی‌ترین عامل موسیقی شعر است و نخستین عامل تناسب که سبب موسیقی کلام می‌شود، وزن است. به طوری که از دیدگاه شمس قیس، عروض برای تشخیص کلام موزون از ناموزون است. به عبارت دیگر شعر از دیدگاه وی کلام موزون و مقفی است. پس وزن ذاتی کلام است و شعر یعنی سخن موزون. وزن

تناسب و ترتیب در صامت ها و مصوت ها است که این تناسب و ترتیب در سخن موسیقی ایجاد می کند.

موسیقی بیرونی

منظور از موسیقی بیرونی شعر که باعث آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن گردیده، وزن عروضی است که براساس کشش هجاها و تکیه هاست. موسیقی بیرونی یکی از مهمترین جنبه های موسیقی در شعر است؛ زیرا این نوع موسیقی است که شاکله ی اصلی کار و جذابیت هنری شاعر را در منظر مخاطب قرار می دهد. دکتر شفیع کدکنی در توضیح وزن شعر از دیدگاه موسیقائی، این عنصر پایه ای را به دو وزن خیزابی و جویباری تقسیم بندی کرده است:

«وزن های خیزابی که از راه تکرار ارکان عروضی پدید می آید یادآور رود یا دریای مواجی است که موج هایش به تناوب و مشابه از راه می رسند و رقص موزون و عمدتاً ریتمیکی را در ذهن متبادر می کنند؛ مانند: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن در وزن های جویباری شعر در گذری آرام و پیوسته و با اُفت و خیزی نامحسوس تر جاری است و در بستر آن از خیزاب های همسان و هم آوا - که گاه کوبنده نیز جلوه می کنند - کمتر اثری دیده می شود؛ مانند سروده هایی که بر وزن مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن ساخته می شوند. در این وزن هیچ یک از ارکان عروضی تکرار نشده است و موسیقی حاصل از افعال مختلف هموارتر و آرام تر به جان می نشیند.» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۸۹)

بخش اعظم دیوان نظری نیشابوری را اوزان جویباری تشکیل می دهد. محققان زبان و ادبیات فارسی به جنبه های نظری و تئوری ادبیات بسیار پرداخته اند؛ ولی همواره جای تحقیقات عملی در تحقیقات ادبی خالی است؛ برای مثال در زمینه ی وزن، قافیه، ردیف، صنایع بدیعی و مباحث کلی موسیقی شعر کتاب های فراوانی نوشته شده است؛ ولی بسیار کم اند تحقیقاتی که به صورت علمی و متناسب با رویکردهای جدید نقد ادبی در زمینه ی موسیقی شعر انجام گرفته باشد؛ بنابراین سعی نویسندگان این مقاله بر آن

بوده است که در این تحقیق موسیقی اشعار نظیری نیشابوری را به صورت علمی، مورد بررسی قرار دهند.

موسیقی بیرونی در دیوان نظیری نیشابوری

در دیوان نظیری نیشابوری ۵۶۴ غزل، ۴۲ قصیده، ۳ قطعه، ۱۰ ترکیب بند و ترجیع بند و ۱۴۱ رباعی وجود دارد که مجموع آن ها ۷۶۰ قطعه شعر است. شاعر در تمام دیوان از ۹ بحر و ۳۷ وزن استفاده کرده است: ۲۷۵ مورد در بحر هزج شامل ۱۲۸ غزل، ۳ قصیده، ۲ ترکیب بند، ۱ قطعه و ۱۴۱ رباعی؛ ۱۸۶ مورد در بحر رمل شامل ۱۷۴ غزل، ۹ قصیده، ۳ ترکیب بند؛ ۱۳۴ مورد در بحر مجتث شامل ۱۱۵ غزل، ۱۸ قصیده، یک قطعه؛ ۱۱۱ مورد در بحر مضارع شامل ۱۰۰ غزل، ۷ قصیده، ۴ ترکیب بند؛ ۲۹ مورد در بحر خفیف شامل ۲۵ غزل، ۳ قصیده، ۱ ترکیب بند؛ ۱۶ مورد در بحر رجز شامل ۱۵ غزل، ۱ قصیده؛ ۶ مورد در بحر منسرح شامل ۵ قصیده، ۱ غزل؛ ۳ مورد در بحر سریع شامل ۲ غزل، ۱ قطعه؛ ۳ مورد در بحر متقارب شامل ۲ غزل، ۱ قطعه.

بررسی بحرهای به کار رفته در دیوان نظیری نیشابوری

۱- بحر هزج

«هزج در لغت آوازی را گویند که همراه با ترنم باشد و به دلیل زیبایی خاص بحر هزج، به این نام نامیده شده است، بحر هزج به گونه‌ای است که وقتی به چگونگی هجاهای ارکان آن دقت کنیم، درمی‌یابیم که به شکلی کنار هم قرار گرفته‌اند که هنگام خواندن شعر احساس طرب و شادی و نشاط به خواننده آن دست می‌دهد: «این بحر را بدان جهت به این نام خوانده‌اند که بیشتر آوازاها و سرودهای اعراب بر این بحر است.» (شاه‌حسینی، ۱۳۸۰: ۶۶). «این وزن از اوزان دلنشین و آرام است که مناسب با مضامین آرام و عاشقانه می‌باشد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۸۴)

بحر هزج از تکرار مفاعیلن حاصل می‌شود.

این بحر با ۲۷۵ مورد در ۸ وزن و ۳۶/۰۴ درصد، پرکاربردترین بحر در دیوان نظیری نیشابوری است که ۱۴۱ مورد در رباعیات، ۱۲۸ مورد در غزلیات، ۲ مورد در ترکیب بند و ترجیع بند، ۳ مورد در قصاید و ۱ مورد در قطعات آمده است.

۱-۱ هزج مثنیٰ اخرب مقبوض ابتر: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلنُ فع

شامل ۱۴۱ رباعی است و در سایر اشعار به کار نرفته است. نمونه مثال:

در هجر تو مرگ همشبینم بادا منظور دو دیده آستینم بادا (نظیری، ۱۳۷۹: ۵۳۳)
اسرار گلستان به بصارت دریاب مرغان بخروشد عبارت دریاب (همان: ۵۳۴)

۱-۲ هزج مثنیٰ سالم: مفاعیلنُ مفاعیلنُ مفاعیلنُ مفاعیلنُ فعولن

شامل ۵۲ غزل؛ نمونه مثال:

ز شهر دوست می‌آیم، پیام عشق بر لب‌ها به تلفیقی کنم آزاد، طفلان را ز مکتب‌ها. (همان: ۷)

۱-۳ هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن

شامل ۳۰ غزل، ۳ قصیده و ۱ قطعه. نمونه مثال:

گر حُسن جمال تو طلبکار نبودی در خانقه و بتکده دیار نبودی (همان: ۳۰۸)
چندی به غلط بتکده کردیم حرم را وقتست که از کعبه برآریم صنم را (همان: ۳۲۷)

۱-۴ هزج مثنیٰ اخرب مکفوف مقصور: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن

شامل ۱۵ غزل، ۱ ترکیب بند. نمونه مثال:

روزِ ازلَم بود به نابود نهفتند در ضمن زیان کاری من سود نهفتند (همان: ۹۴)
دوشینه سرودی دل افگار برآورد کاهو ز حرم مرغ ز گلزار برآورد (همان: ۹۶)

۱-۵ هزج مسدس محذوف: مفاعیلنُ مفاعیلنُ مفاعیلنُ فعولن

شامل ۱۶ غزل. نمونه مثال:

دلی دارم که طاقت کار او نیست تحمل غیر عیب و عار او نیست (همان: ۵۲)
نگاهت چشم جادو برتابد فریب خال هندو برتابد (همان: ۱۳۸)

۱-۶ هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف: مفعولُ مفاعِلن فعولن

شامل ۱۱ غزل و ۱ ترجیع بند . نمونه مثال:

ای کرده خراب خانه ها را بر هم زده آشیانه ها را (همان: ۷)
دیرست ز گوشه نقابی داریم امید فتح بابی (همان: ۳۰۰)

۱-۷ هزج مسدس مقصور: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

در این وزن فقط ۲ غزل سروده شده است:

سخن گوئید با من کمتر امروز که دارم دل به جای دیگر امروز (همان: ۱۶۶)
دلا رو زان خم ابرو بگردان بدل کردیم قبله رو بگردان (همان: ۲۷۷)

۱-۸ هزج مثنی اخرب: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

در این وزن ۲ غزل سروده شده است

گر کشف حجب خواهی، بستان می ناب اول

ور علم ازل جویی، بگذر ز کتاب اول (همان: ۲۲۶)

مردانه قماری کن ، دستی به دو عالم زن

خصلی که نهی پُر نه ، نقشی که زنی کم زن (همان: ۲۷۲)

۲- بحر رمل

اجزای آن چهار بار فاعلاتن فاعلاتن است ، «بحر رمل زمینه‌ای است برای بیان رقت قلب و حکایت‌گر اندوه‌ها و شادمانی‌ها و ترجمان دل پیران و جوانان است.» (خواجه نصیر،

۱۳۶۹ : ۱۳)

رمل با ترکیب هجایی خاص خود و آهنگ ملایم و ریتم آرام بخشی که دارد ، بیشتر

بیانگر احساسات ، عواطف ، افکار و عالم درون شاعر است.

بحر رمل دومین بحر پرکاربرد در این دیوان است که با تعداد ۱۸۶ مورد و ۲۴/۳۸ درصد

اوزان، ۱۷۴ غزل و ۹ قصیده و ۳ ترکیب بند و ترجیع بند را در بر می‌گیرد.

۱-۲ رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن:

شامل ۵۸ غزل و ۲ قصیده. نمونه مثال:

دیدمش در دل نهفتم آه بسی تأثیر را در کمان ازیس که دزدیدم شکستم تیر را (همان: ۱۶)
خون دشت کربلامی جوشد از مزگان من داغ زهرا تازه شد در کلبه ی احزان من (همان: ۴۱۱)

۲-۲ رمل مثنی مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

شامل ۳۱ غزل، ۳ قصیده و ۱ ترکیب بند و ۱ ترجیع بند. نمونه مثال:

گر شرر گر شعله هر جا گشت پیدا آتش است چاره ی دل کن که با آتش مدارا آتش است

(همان: ۴۳)

از سخن چون چاشنی بخشی به خوان تربیت پر شود از مغز معنی استخوان تربیت (همان: ۳۵۳)

۳-۲ رمل مثنی مخبون محذوف: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

شامل ۲۴ غزل.

درک هر راز کجا زان عجمی زاده ک گر نه آئینه چو آئینه او ساده کنی (همان: ۳۲۲)

۴-۲ رمل مثنی مخبون اصلم: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

شامل ۱۴ غزل، ۲ قصیده و ۱ ترجیع بند.

مرد بی حوصله مردانه نگرود هرگز خوف گرد دل دیوانه نگرود هرگز (همان: ۱۷۱)
صبح عیدست که بر میکده بگشاید در سجده شکر کند نزد صبحش ساغر (همان: ۳۷۹)

۵-۲ رمل مثنی مخبون مقصور: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

شامل ۱۲ غزل و ۱ قصیده. نمونه مثال:

به تمنای غلط بر همه کس میر شدیم بدر از خانه نرفتیم و جهانگیر شدیم. (همان: ۲۴۵)
مژده در مژده فتحست و ظرف در ظرفست هر طرف مژده رساننده ی فتحی دگرست (همان: ۳۴۵)

۲-۶ رمل مسدس مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلان

شامل ۱۱ غزل، نمونه مثال:

فخر والا نسبتان از بند اوست آنچه هرگز نگسلد پیوند اوست (همان: ۴۹)

رخ نما تا رونما جان آوریم عرضه کن ایمان که ایمان آوریم (همان: ۲۵۷)

۲-۷ رمل مثنیٰ مخبون اصلم مسبیغ: فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فع لان

شامل ۱۰ غزل. نمونه مثال:

در بغل مصحف و سجاده‌ی تقوا بردوش برد از مدرسه‌ام مغیبه‌ی باده فروش (همان: ۱۸۴)

۲-۸ رمل مثنیٰ مشکول: فَعَلَاتُ فاعَلَاتُنْ فَعَلَاتُ فاعَلَاتُنْ

شامل ۷ غزل و ۱ قصیده.

این وزن یکی از زیباترین اوزان شعر فارسی است که تعداد هجاهای بلند و کوتاه آن همه یکسان است. (ماهیار، ۱۳۷۴: ۵۹)

تو اگر ز کعبه راندی و گراز بهشت ما را غم بنده پرورتو، به دری نهشت مارا (همان: ۲۴۵)

۲-۹ رمل مسدس محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

شامل ۴ غزل.

بی تو نه با غم خوش و نی خانه خوش با نگار خانگی ویرانه خوش (همان: ۱۹۸)

از گلستان، گل به بازار آمده عید مرغان گرفتار آمده (همان: ۲۸۹)

۲-۱۰ رمل مثنیٰ اصلم: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

شامل ۲ غزل.

«اصلم عبارت است از حذف دو هجای بلند آخر فاعلاتن (- U -) و تبدیل هجاهای کوتاه به بلند. دو هجای بلند حاصل را اصلم می خوانند و با «فَع لَن» نشان می دهند. (ماهیار، ۱۳۷۰:۵۶)

هر سر شاخ درین باغ هوایی دارد هر گلی رنگی و هر مرغ نوایی دارد (همان: ۱۴۸)
گردش چشم بتان مستی من حالی کرد دوروارون نتواند قدحم خالی کرد (همان: ۱۴۹)

۱-۲ ارمِل مسدس مخبون اصلم مسبغ: فاعلاتن فعلاتن فع لان

در این وزن فقط یک غزل سروده شده است.

خوی شه عربده جو افتادست کشته یی بر سر کو افتادست (همان: ۷۳)

۳ بحر مجتث

اجزای آن از اصل مستفع لن فاعلاتن. چهار بار مفاعِلن فعَلاتن آید و زحاف این بحر نه است: خبن و شکل و قصر و حذف و رفع و جحف و اسباغ و تشعیث و صلم» (المعجم ، ۱۳۷۳ : ۱۴۹). «بحر مجتث از تکرار مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن به دست می آید.» (ماهیار، ۱۳۷۴:۶۷)

این بحر که از بحور مختلف الارکان است در دیوان نظیری نیشابوری ۱۳۶ مورد و ۱۷/۵۶ درصد اوزان را شامل می شود: ۱۱۷ غزل، ۱۸ مورد و ۱ مورد قطعه.

۳-۱ مجتث مثنی مخبون اصلم: مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فع لن

شامل ۳۱ غزل ، ۸ قصیده و ۱ قطعه، نمونه مثال:

زبان پیام هوس داشت شستم انشا را درون سینه بریدم سرمغ تمنا را (همان: ۵)

۳-۲ مجتث مثنی مخبون اصلم مسبغ : مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فع لان

شامل ۳۰ غزل و ۵ قصیده.

چنان ز خانه برون رفتیم به دل تنگ است که آستانه بیابان و گام فرسنگ است (همان: ۶۲)
چو شمع سوز دلم عشق بر زبان انداخت دگرخواستی آتش مرا به جان انداخت (همان: ۳۵۵)

۳-۳ مجتث مثنیٰ مخبون مقصور : مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعَلان
شامل ۲۸ غزل و ۳ قصیده .

به غمزه روز الستم همین معامله بود ابدرسید و نیاسودم این چه مشغله بود (همان: ۱۴۳)
چو رو به برج شرف کرد آفتاب مُنیر دمید فاتحه‌ی فتح بر حصار اسیر (همان: ۳۸۱)

۴-۳ مجتث مثنیٰ مخبون محذوف : مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعَلن
شامل ۲۵ غزل و ۱ قصیده.

سحر که سنبلم از جیب پیرهن بکشی گمان برم که رگِ جانم از بدن بکشی (همان: ۳۲۰)
۵-۳ مجتث مثنیٰ مخبون : مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعَلان
شامل ۱ غزل و ۱ قصیده.
به هجر و وصل دلم الفت و نزاع ندارد نشاط آمدن و کلفت وداع ندارد (همان: ۱۱۱)

۴ - بحر مضارع

چهارمین بحر پر کاربرد در دیوان نظیری نیشابوری بحر مضارع است که در ۱۱۱ مورد و ۱۴/۵۵ درصد اوزان، ۱۰۰ غزل، ۷ قصیده و ۴ ترکیب بند را شامل می‌شود.

بحر مضارع از اصل مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن بصورت مزاحف مکفوف مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن ساخته می‌شود و رکن چهارم به فاعلان تبدیل می‌شود.

در بحر مضارع رکن فرعی «اخرب» نقش اساسی دارد و توجه به آن ضروری است. رکن اخرب از رکن اصلی مفاعیلن (U - -) با حذف هجای کوتاه از آغاز رکن و تبدیل هجای بلند پایانی به هجای کوتاه حاصل می‌شود (U - -). «(ماهیار، ۱۳۷۴: ۸۲)

۱-۴ مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف : مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعَلن
شامل ۵۲ غزل ۱ قصیده و ۲ ترکیب بند .

سر داده‌ای و بد نهانی نهاده‌ای دل برده‌ای و داغ نشانی نهاده‌ای (همان: ۳۲۰)
هر شب بذیل صحبت جانان تن آورم وز دامش نثار به دامن در آورم (همان: ۳۹۶)

۲-۴ مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور : مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلان

شامل ۳۹ غزل ، ۶ قصیده و ۲ ترکیب بند .

این وزن از اوزان جویباری است. دکتر وحیدیان کامیار این وزن را از دسته اوزان نرم و سنگین می‌داند که برای سرودن اشعاری با مضامینی چون مرثیه، درد، حسرت و گله‌مندی مناسب است.

امروز آنچه تاج سر ماست دست ماست سرمایه‌ی درستی مادر شکست ماست

(همان: ۴۶)

دوش آن زمان که تیر شهاب از کمان فتاد ما را ستاره‌ی خلف از آسمان فتاد.

(همان: ۵۰۱)

۳-۴ مضارع مثنیٰ اُخرب : مفعولُ فاعلاتُن مفعولُ فاعلاتُن

شامل ۹ غزل .

این بحر از محور خوش آهنگ، مطبوع، گوش نواز و دل پسند است. بنا به نظر و دسته بندی دکتر شفیعی کدکنی از اوزان خیزابی به حساب می‌آید .

در پرده ره ندادند، وقت سخن صبا را من نیک می‌شناسم، پیغام‌آشنا را (همان: ۲۴۵)

کی سر غنچه او، از هر بیان بیابی گرمحودوق گردی خودسر آن بیابی (همان: ۳۱۷)

۵ - بحر خفیف

«سبک ترین بحر هاست که در طبع می‌آویزد و گوش را می‌نوازد و از حیث روانی و

نرمی شبیه وافر است» (خواجه نصیر، ۱۳۶۹: ۱۳)

بحر خفیف از بحرهای سبک وزن عروض است و بدین سبب آن را خفیف خوانده‌اند.

اصل این بحر فاعلاتُن مُسْفَعَلُن فاعلاتُن است ولی سالم آن چندان متداول نیست و اکثر

مزاحف آن معمول است. (شاه حسینی، ۱۳۸۵: ۹۷)

«خفیف را به سبب خفت وزن، خفیف نام کرده‌اند» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۵۰)

در دیوان نظیری نیشابوری، بحر خفیف در ۲۸ مورد و ۳/۸۰ درصد اوزان، ۲۵ غزل، ۲ قصیده و ۱ ترکیب بند را داراست.

۱-۵ خفیف مسدس مخبون اصلم : فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن شامل ۷ غزل، ۲ قصیده و ۱ ترکیب .

نه عدم بود و نی وجود اینجا صورت وهم می نمود اینجا (همان:۱۴)

۲-۵ خفیف مسدس مخبون محذوف : فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن شامل ۸ غزل .

بانگ نی می برد ز هوش مرا می دهد می ز راه گوش مرا (همان:۱۹)
دل بر این ناخوش آشیانه منه چشم بر شفقت زمانه منه (همان:۲۹۵)

۳-۵ خفیف مسدس مخبون مقصور: فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن شامل ۶ غزل .

چرخ پرویزی ست آتش بیز نه ممری درو نه جای گریز (همان:۱۶۴)
همه جا ناخن تصرف بند هر کجا سینه ای است خسته ای اوست (همان:۷۶)

۴-۵ خفیف مسدس مخبون اصلم مسیغ : فعلاتن (فاعلاتن) مفاعلن فع لن شامل ۴ غزل و ۱ قصیده .

بخت ما سست و عشق تو فیروز ما همه خوشه چین، تو خرمن سوز (همان:۱۶۳)
بیر در کوه و شیر در بیشه شاه بر گاه و ماه در خرگاه (همان:۴۲۰)

۶- بحر رجز

این بحر را از آن جهت رجز نامیده اند که « در لغت، اضطراب و سرعت است» (مددی، ۱۳۸۵:۱۱۷)، «عرب بیشتر اشعاری که در معرکه ها و جنگ و در مفاخرات از مردانگی خود می خوانند، در این بحر است. و در چنین اوقات آواز مضطرب و حرکات سریع می باشد، پس از این جهت این بحر را رجز نام کرده اند.» (فشارکی، ۱۳۷۲: ۴۲)

این بحر در دیوان نظری نیشابوری ۱۶ مورد و ۲/۱۰ درصد اوزان، ۱۵ غزل و ۱ قصیده را در بر می‌گیرد.

۶- ارجز مثنیٰ سالم : مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

شامل ۱۰ غزل و ۱ قصیده

نی سنبل تشبکویی، نه آتش رخساره‌ای کنی دل بوی خامی می دهد بی داغ آتش پاره‌ای
(همان: ۳۲۲)

۶-۲ ارجز مثنیٰ مطوی مخبون : مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن (دوری)

شامل ۵ غزل .

طعم هلال می دهد زهر فراق آّب را تا تلخ کردی عیش من شیرین ندیدم خواب را (همان: ۸)

۷- بحر منسرح

«منسرح در لغت به معنی آسان است و این بحر را بدان جهت منسرح خوانده‌اند که ترتیب اوتاد و اسباب در آن به صورتی است که سبب روانی آهنگ می‌شود»، (۱۳۸۵ : ۸۴)
«بحر منسرح از اصل مُسْتَفْعَلُنْ مَفْعُولَاتُ مُسْتَفْعَلُنْ مَفْعُولَاتُ به صورت مزاحف مطوی مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ ساخته می‌شود و رکن فاعلاتُ به فاعلان یا فاعِلُنْ تبدیل می‌شود» (ماهیار، ۱۳۷۴ : ۱۱۲)

۷-۱ منسرح مثنیٰ مطوی مکشوف : مفتعلن فاعِلن مفتعلن فاعِلن

شامل ۱ غزل و ۵ قصیده با ۰/۷۹ درصد اوزان .

غم به سزا داده بی دل به نوا کرده بی از تو پذیرفته ام هر چه عطا کرده‌ای (همان: ۲۹۶)

۸- بحر سریع

«سریع در لغت به معنی زود است و این بحر را بدان جهت سریع خوانده‌اند که «سببها» در آن بیشتر از «اوتاد» است. اصل این بحر، مستفعلن مستفعلن مفعولات است و سالم آن متداول نیست و مزاحف آن مطبوع تر است» (شاه حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

این بحر با ۳۹/۰ درصد کل اوزان یکی از کم کاربردترین بحور دیوان نظیری است و فقط شامل ۳ غزل می‌باشد.

۸-۱- سریع مسدس مطوی موقوف: مفتعلن مفتعلن فاعلان

در این وزن فقط ۲ غزل سروده شده است.

داشتم از درد جدایی خروش دل چوتو را یافت زبان شد خموش (همان: ۱۸۶)
عشق دهد با دل شوریده تاب پرورش ذره کند آفتاب (همان: ۳۸)

۸-۲- سریع مسدس مطوی مکشوف: مفتعلن مفتعلن فاعلن

در این وزن فقط ۱ غزل سروده شده است.

عشق توشیرازه ی اجزای من شوق تو فهرست سراپای من. (همان: ۲۶۴)

۹- بحر متقارب

این بحر از تکرار فعولن، پدید می‌آید و چون سببها و وتدها به یکدیگر نزدیک‌اند، آن را متقارب نامیده‌اند.

کم کاربردترین بحر با ۳ مورد و ۳۹/۰ درصد کل اوزان.

۹-۱- متقارب مثنی سالم: فعولن فعولن فعولن فعولن

در این وزن ۲ غزل و ۱ قطعه (جمعاً ۳ مورد) سروده شده است.

زهی نسخه‌ی آفرینش جمالت نکت یاب مجموعه‌ی گل، خیالت (همان: ۲۴۵)
ز نیرنگ نطقش به مضمون نیایی ور آیی ز بس سحر بیرون نیایی (همان: ۳۲۱)
جهاندار فرمانروا، شاه اکبر که مُلک از پدر تا به آدم گرفته (همان: ۴۶۹)

اوزان دوری

«اوزان دوری به وزن مصراع‌ی گفته می‌شود که بتوان خود آن مصراع را مرکب از دو نیم مصراع (= پاره) متساوی پنداشت. هر یک از این پاره‌ها، دو رکن مختلف دارد که عیناً در پاره‌ی دوم تکرار می‌شود. در وزن دوری غالباً کلام در پایان پاره (یعنی با رکن دوم) تمام می‌شود به هر حال در وسط مصراع مکث می‌کنیم.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۰)

اوزان دوری به کار گرفته شده در دیوان نظری نیشابوری

۱- هزج مثنی‌اخر: مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ ، مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ
در حلقه‌نمی‌گنجی، تا پخته‌نمی‌گرددی شرط است که میخواران، سازند کباب اول (همان: ۲۲۶)
ایمان زیقین خیزد، از هر چه به شک باشی در آتش حرمان بین یا بر محک غم زن (همان: ۲۷۲)

۲- رمل مثنی‌مشکول: فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ ، فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ
تو اگر ز کعبه راندی و گراز بهشت ما را غم بنده پرورتو، به دری نهشت ما را (همان: ۵)
ز خراش دم به رقت، زگدازدل به دردم دم آتشین بیانان، بفسرد و گفت سردم (همان: ۳۲۸)

۳- مضارع مثنی‌اخر: مَفْعُولَ فَاعِلَاتُنْ ، مَفْعُولَ فَاعِلَاتُنْ
آزرده خاطران را، فکری عنان نگیرد رغم گران رکابست، دل تیزگام گردان (همان: ۲۷۱)
عیش دیار غربت، چون برق در گذار است نتوان به قید کردن، ذوق گریز پا را (همان: ۴)

۴- مجتث مثنی‌مخبون: مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ ، مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ
بسوی ملک فنایم، روان ز کشور هستی به حد سردی و خشکی، مزاج گرم و تر آمد
(همان: ۳۸۶)

۵- رجز مثنی‌مطوی‌مخبون: مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ ، مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
فایده‌ای نمی‌دهد، داروی تلخ ناصحان این غم ناگوار را، باده‌ی خوشگوار کو؟
(همان: ۲۸۰)

۶- منسرح مثنی‌مطوی‌مکشوف: مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ ، مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ

نوبت شادی زدیم، بندگی ازمانرفت شهره به داغ توایم، گرچه رها کرده‌ای (همان: ۲۹۶)
 خنده‌ی شیرین دگر، تلخ شود برلبت گرشنوی نغمه‌ی، مرغ گلستان او (همان: ۴۱۷)

نتیجه

تأمل در دیوان نظیری نیشابوری و مطالعه‌ی اشعار زیبای او این مطلب را در ذهن ایجاد می‌کند که او شاعری توانمند با قریحه‌ای بالا است. در قالب‌های متفاوت شعری طبع آزمایی کرده و موفق بوده است؛ اما از همه بیشتر در قالب غزل شعر سروده و بعد از آن قصیده‌هایش قابل ملاحظه است. شعر او بیانگر روحیات و همچنین مرارت کشی‌های او در زندگی است. قصاید او را می‌توان حاصل تحولات و دگرگونی‌ها دانست که غالباً از قصاید بلند انوری استقبال کرده است، او در غزلیات پیرو سعدی و حافظ بوده؛ اما از بابا فغانی نیز استقبال کرده است. استفاده از آرایه‌های ادبی گوناگون در شعر به گونه‌ای دلچسب که از روانی و شیوایی کلام نمی‌کاهد و نوآوری‌ها و تصویرهای زنده‌ای که در بیشتر غزل‌هایش به چشم می‌خورد، قابل توجه و تعمق است.

با نگاهی عمیق و کلی به جلوه‌های موسیقی شعر در دیوان نظیری می‌توان گفت: از نظر موسیقی بیرونی بیشتر اوزان مورد استفاده‌اش، اوزان رایج و محور مطبوع است. بخش اعظم دیوان نظیری نیشابوری را اوزان جویباری تشکیل می‌دهد.

منابع

- ۱- اوحدی دقاقی بلیانی (۱۳۳۸) **تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین**، مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۲- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۹) **معیار الاشعار**، با تصحیح و اهتمام جلیل تجلیل، چاپ اول، ناهید .
- ۳- رازی، امین احمد (۱۳۷۸) **تذکره ی هفت اقلیم**، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری، تهران: سروش.
- ۴- شاه حسینی، ناصرالدین (۱۳۸۰) **شناخت شعر**، تهران: آگاه .
- ۵- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۰) **موسیقی شعر**، تهران: آگاه .
- ۶- شمس قیس رازی، محمد بن قیس (۱۳۷۳) **المعجم فی معایر اشعار العجم**، به کوشش سیروس شمیسا، چاپ اول، فردوس .
- ۷- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) **آشنایی با عروض و قافیه**، تهران: فردوس .
- ۸- صبور، داریوش (۱۳۸۴) **آفاق غزل فارسی**، تهران: زوار .
- ۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱) **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد ۱/۵، تهران: فردوسی.
- ۱۰- فخرالزمانی قزوینی، عبدالعلی (۱۳۶۷) **تذکره میخانه**، به اهتمام احمد گلچین معانی، چاپ پنجم، تهران: اقبال.
- ۱۱- ماهیار، عباس (۱۳۷۴) **عروض فارسی**، تهران: قطره .
- ۱۲- مددی، حسن (۱۳۸۵) **عروض و قافیه** (نگاهی تازه به اوزان و ضرب آهنگ شعر فارسی)، تهران: تیرگان.
- ۱۳- مدرّس تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴) **ریحانه الادب**، تهران: خیام.
- ۱۴- مشحون، حسن (۱۳۷۳) **تاریخ موسیقی ایران**، چاپ اول، تهران: نشر سیمرغ با همکاری نشر فاخته.

- ۱۵- ملاح، حسینعلی (۱۳۶۷) **پیوند موسیقی و شعر**، تهران: فضا .
- ۱۶- نظیری نیشابوری، محمد حسین (۱۳۷۹) **دیوان اشعار**، با تصحیح محمد رضا طاهری، تهران: موسسه انتشارات نگاه .
- ۱۷- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴) **تذکره‌ی ریاض الشعرا**، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۱۸- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۰) **بررسی منشأ شعر فارسی**، مشهد: آستان قدس.
- ۱۹- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۶) **وزن و قافیه‌ی شعر فارسی**، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۰- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵) **تذکره‌ی ریاض العارفين**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم رادفر، گیتاشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Archive of SID

پیوست‌ها

الف: جدول بحرهای به کاررفته در دیوان نظری نیشابوری (با زحافات)

ردیف	بحر	وزن	بهره	قطعه	تعداد ترکیب بند در مجموع	رایجی
۱	هزج مثنی سالم	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵۲			
۲	هزج مثنی اعراب	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۲			
۳	هزج مثنی اعراب مکثوف مقصور	مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۱۵	۱		
۴	هزج مسدس محذوف	مفاعیلن مفاعیلن فاعولن	۱۶			
۵	هزج مسدس مقصور	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۲			
۶	هزج مثنی اعراب مکثوف محذوف	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاعولن	۳۰	۳	۱	
۷	هزج مسدس اعراب مقبوض محذوف	مفعول مفاعیلن فاعولن	۱۱		۱	
۸	هزج مثنی اعراب مقبوض ابتر	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاع				۱۴۱
۹	رمل مثنی مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۳۱	۳	۲	
۱۰	رمل مثنی محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۵۸	۲		
۱۱	رمل مثنی اصلم	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲			
۱۲	رمل مسدس مقصور	فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۱۱			
۱۳	رمل مثنی مخبون اصلم مسیح	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۱۰			
۱۴	رمل مسدس محذوف	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۴			
۱۵	رمل مثنی مخبون اصلم	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱۴	۲	۱	
۱۶	رمل مثنی مخبون مقصور	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلان	۱۲	۱		
۱۷	رمل مثنی مخبون محذوف	فاعلاتن (فاعلاتن) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۴			
۱۸	رمل مسدس مخبون اصلم مسیح	فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	۱			

۱۹	رمل مثنی مشكول	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	۷	۱		
۲۰	مجتث مثنی مخیون مقصور	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلان	۲۸	۳		
۲۱	مجتث مثنی مخیون محذوف	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فعلن	۲۵	۱		
۲۲	مجتث مثنی مخیون اصلم	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فع لن	۳۱	۸	۱	
۲۳	مجتث مثنی مخیون اصلم مسبغ	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فع لان	۳۰	۵		
۲۴	مجتث مثنی مخیون	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن	۱	۱		
۲۵	مضارع مثنی اخبز مكثوف مقصور	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان	۳۹	۶	۲	
۲۶	مضارع مثنی اخبز مكثوف محذوف	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	۵۲	۱	۲	
۲۷	مضارع مثنی اخبز	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	۹			
۲۸	خفیف مسدس مخیون مقصور	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعیل فاعلان	۶			
۲۹	خفیف مسدس مخیون اصلم مسبغ	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعیل فع لان	۴	۱		
۳۰	خفیف مسدس مخیون محذوف	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعیل فعلن	۸			
۳۱	خفیف مسدس مخیون اصلم	فعلاتن (فاعلاتن) مفاعیل فع لن	۷	۲	۱	
۳۱	رجز مثنی سالم	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۱۰	۱		
۳۳	رجز مثنی مطوی مخیون	مفتعلن مفاعیل مفتعلن مفاعیل	۵			
۳۴	منسرح مثنی مطوی مكثوف	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۱	۵		
۳۵	سریع مسدس مطوی موقوف	مفتعلن مفتعلن فاعلان	۲			
۳۶	سریع مسدس مطوی مكثوف	مفتعلن مفتعلن فاعلن	۱			
۳۷	مقارن مثنی سالم	فعلولن فعلولن فعلولن	۲	۱		

ب: جدول بحرهای به کار رفته در دیوان نظیری نیشابوری (بدون زحافات)

ردیف	نام بحر	غزل	قصیده	رباعی	قطعه	تذکره توصیفی به ترتیب رنگ	زنج	درصد
۱	بحر هزج	۱۲۸	۳	۱۴۱	۱	۲	۲۷۵	۳۶.۰۴
۲	بحر رمل	۱۷۴	۹			۳	۱۸۶	۲۴.۳۸
۳	بحر مجتث	۱۱۵	۱۸		۱		۱۳۴	۱۷.۵۶
۴	بحر مضارع	۱۰۰	۷			۴	۱۱۱	۱۴.۵۵
۵	بحر خفیف	۲۵	۳			۱	۲۹	۳.۸۰
۶	بحر رجز	۱۵	۱				۱۶	۲.۱۰
۷	بحر منسرح	۱	۵				۶	۰.۷۹
۸	بحر سریع	۳					۳	۰.۳۹
۹	بحر متقارب	۲			۱		۳	۰.۳۹
	جمع بحور						۷۶۳	